

حملات وحشیانه و ضد بشری در مساجد جامع

قندوز و قندهار را

به شدیدترین وجه تقبیح می‌کنیم

دامن زدن به اختلافات قومی، لسانی، ملیتی، جنسی، فرهنگی، مذهبی و نژادی خصیصه ذاتی امپریالیزم بوده و می‌باشد. زمانی که رقابت آزاد جای خود را به انحصارات داد، یعنی امپریالیزم پا به عرصه وجود گذاشت، امپریالیزم همیشه به فکر بدست آوردن منافع بیش‌تر به تجاوز و اشغال‌گری پرداخته و تلاش نموده تا دامنه مستعمرات خویش را هر چه بیش‌تر از قبل گسترش دهد، و همیشه به موضوع حفظ امپراطوری و نگهداری مستعمرات خویش کوشیده است.

امپریالیزم به این موضوع هم بسنده نکرده، بل که تلاش ورزیده تا کشورهای که دارای استقلال سیاسی بوده و مطیع امپریالیزم نبوده و در دام امپریالیزم نیفتاده، برای تحت سیطره قراردادن این کشورها مانند کشورهای مستعمراتی برنامه‌های تنظیم نموده است و عملاً آن برنامه‌ها را توسط جواسیس خود عملی نموده است.

هر گاه تاریخ جهان را ورق زنیم، بطور واضح و آشکار به نیرنگ‌ها، ترفندهای شیطننت آمیز امپریالیزم و استعمارگران در قبال کشورهای مستعمره و تحت سلطه و حتی امپراتوری‌های قدرت مند در جهان پی خواهیم برد.

استعمارگران از همان بدو پیدایش تا کنون تدابیری برای جلوگیری از هرگونه بیداری ملیت‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش روی دست گرفتند و تا هم اکنون از این ترفندها در مقابل جنبش‌های آزادی‌بخش ملی کار می‌گیرند. این تدابیر و برنامه‌های استعمارگران بصورت دراز مدت برای گسترش تفرقه و جهل، فقر و بیکاری و بیماری‌های گوناگون تدوین و تنظیم گردیده است.

برای این که به اختلافات عدیده‌ای که در افغانستان و تمامی کشورهای جهان وجود دارد پی ببریم، ابتدا گذشته این اختلافات را که چرا و چگونه پدید آمده است بر رسی می‌کنیم در این صورت به ریشه اساسی این اختلافات دقیقاً پی خواهیم برد. و در ارتباط به آن حملات وحشیانه به مساجد جوامع قندوز و قندهار و ارتباط تنگاتنگ آن با برنامه‌های شیطننت آمیز امپریالیزم را بر رسی خواهیم نمود.

هر گاه به تاریخ اوایل قرن هجدهم نظری بیافکنیم مشاهده می‌نمائیم که در همدستان کش‌مکش‌های قومی، نژادی و اختلافات دینی و فرهنگی آن قدر گسترده است که به هیچ وجه اجازه شورش علیه سیطره انگلیس به مردمان این سرزمین در شبه قاره هند را نمی‌دهد. لذا خیال استعمارگران انگلیسی از این ناحیه راحت بود. به همین ترتیب در سر زمین چین نیز وضع بر همین منوال بود. اختلافات عمیقی که میان ادیان بودایی و کنفوسیوس وجود داشت خطری نیز متوجه انگلیس نمی‌شد. چیزی که باعث نگرانی استعمار کهن انگلیس در آن زمان بود تحریکات امپراطوری عثمانی و دولت ایران علیه انگلیس بود.

امپریالیزم انگلیس به فکر فروپاشی امپراطوری عثمانی و دولت ایران گردید. با طرح پلان‌ها دراز مدت و پیاده نمودن آن از طریق جواسیس خویش به فکر دامن زدن اختلافات دینی و مذهبی میان شان گردید. این موضوع را از قول یک جاسوس انگلیسی پی می‌گیریم:

«در سال 1710 میلادی، وزارت مستعمرات انگلیس، مرا مامور جاسوسی به کشورهای مصر، عراق، ایران، حجاز و استانبول مرکز خلافت (عثمانی) نمود. ماموریت من جمع آوری اطلاعات کافی به منظور جستجوی راه‌های درهم شکستن مسلمانان، و نفوذ استعماری در ممالک اسلامی بود. همزمان با من، نه نفر جاسوس دیگر، از بهترین و ورزیده ترین ماموران وزارت مستعمرات، در ممالک اسلامی، این گونه ماموریت ها را بر عهده داشتند. در راه فراهم ساختن موجبات تسلط استعماری انگلیس و تحکیم مواضع آن دولت در نقاط استعمار شده، فعالیت می‌کردند. اعتبار مالی کافی در اختیار این هیات‌ها قرار داشت، و به نقشه های دقیق و اطلاعات دست اول مجهز بودند.

فهرست کامل نام وزراء، فرمانروایان، ماموران عالی‌رتبه، علما و روسای قبایل، به آن‌ها داده شده بود....

ماموریت من حاوی دو قسمت بود: نخست، فراگیری زبان ترکی، که در آن هنگام زبان رسمی مسلمانان آن دیار بود.... پس از زبان ترکی باید زبان عربی، قرآن و تفسیر و سپس زبان فارسی را یاد می‌گرفتم.... من مجبور بودم این زبان‌های بیگانه را به گونه ای فرا گیرم که هیچ نکته ای از قواعد و رموز آن فروگذار نشود و هیچ کس را توانایی آن نباشد که در ترک یا ایرانی یا عرب بودنم شک کند.» (خاطرات همفر - جاسوس انگلیس در ممالک اسلامی - صفحه 15 و 16)

نگرانی استعمار انگلیس در آن زمان از دولت‌های اسلامی به این دلیل بود که نفوذ مادی و معنوی اسلام بر مردم از نیرومندی و ثبات کامل بر خوردار بود، این ناحیه (مناطق مسلمان نشین) زنگ خطری برای استعمار انگلیس بود. دولت استعماری انگلیس دقیقاً درک نموده بود که با زور اسلحه نمی‌توان بر این مردم فایق آمد، به همین ملحوظ برنامه‌ها و ترفندهای شیطننت آمیزی را توسط جاسوسان خود در این نواحی پیاده نمود.

زمانی که "همفر" جاسوس انگلیس به دارالخلافه عثمانی می‌رسد، نام خود را "محمد" می‌گذارد و یا شیخ احمد افندی آشنا می‌گردد. او در اولین دیدار با شیخ احمد افندی می‌گوید که من از دیار دیگری آمده‌ام تا به امپراطوری عثمانی که جانشین پیامبر است خدمت کنم؟! شیخ احمد افندی از او استقبال می‌کند. همفر از شیخ می‌خواهد تا به او قرآن و تفسیر قرآن را آموزش دهد، او باز هم بیشتر مورد استقبال شیخ احمد افندی قرار می‌گیرد.

طبق گفته خودش او در ظرف دو سال قواعد ادغام، تفسیر و تجوید قرآن را نزد شیخ احمد افندی می‌آموزد. برای این که کسی بر او شک نکند نصف روز به یک نجاری کار می‌کند و نصف روز را در نزد شیخ احمد افندی مصروف آموختن دین اسلام است. یک روز کارفرمایش به او پیش‌نهاد لواط را می‌دهد. همفر این مطلب را این گونه بیان می‌دارد:

«عادت بر این جاری بود که در مدت دو سال اقامت در استانبول، هر ماه گزارشی از حال و تحولات پای‌تخت عثمانی‌ها به لندن بفرستم. در یکی از این گزارش‌ها، موضوع پیش‌نهاد لواطی را که از سوی کارفرمایم شده بود گزارش دادم. وزارت مستعمرات در پاسخ دستور داد: اگر قبول آن پیش‌نهاد، رسیدن به هدف را آسان‌تر می‌سازد، مانعی ندارد. وقتی این جواب را خواندم زمین گرد سرم چرخید و فکر کردم که چگونه روسای من شرم نمی‌کنند و به خاطر مصالح دولت انگلیس، مرا به این عمل شنیع تشویق می‌کنند. بهر حال چاره‌ای نداشتم و باید جرعه‌ای را که به لب نزدیک ساخته‌ام تا پایان بنوشم. ناگزیر به روی خود نیاوردم و از بی‌مهری مقامات لندن لب به سخن نگشودم.» (خاطرات همفر - جاسوس انگلیس در ممالک اسلامی - صفحه 22 و 23)

این صحبت تکان دهنده بیان‌گر آنست که امپریالیزم برای بدست آوردن مقاصدش به هر نیرنگ و شیادی می‌پردازد و از ریختن آبرویش اعتنایی ندارد. روی این هدف شوم است که استعمارگران در گام اول جاسوسان خود اعم از زن و مرد را به فاحشه‌گری رجعت می‌دهند. زیرا آن‌ها درک نموده‌اند که از این طریق بیش‌تر و بهتر می‌توانند در کشورهای بیگانه و بخصوص کشورهای اسلامی برای خود لانه‌ای بسازند و امیال شوم استعمارگران را بر آورده سازند.

همفر بعد از این که زبان‌های ترکی، عربی، فارسی و تجوید قرآن و آداب معاشرت اسلامی را بطور دقیق آموخت، در پی دو وظیفه‌ای که دولت بریتانیا برایش داده بود بر آمد. معاون وزارت مستعمرات دو وظیفه ذیل را برایش سپرده بود:

« 1 - یافتن نقاط ضعف مسلمانان که ما را در نفوذ به آنها و ایجاد تفرقه و اختلاف بین گروه‌ها موفق کند زیرا عامل پیروزی ما بر دشمن شناخت این مسایل است.

2 - پس از شناخت نقاط ضعف، اقدام به ایجاد تفرقه و اختلاف ضروری است. هر گاه در این کار مهم توانایی لازم از خود نشان دهی، باید مطمئن باشی که در شمار بهترین جاسوسان انگلیس، شایسته نشان افتخار خواهی بود.» (همان اثر - صفحه 27)

از آن زمان تا کنون امپریالیزم همیشه برای بر آوردن مقاصد شومش از این ترفندها کار گرفته و به آتش نفاق و تفرقه دامن زده است. تا زمانی که آتش نفاق و اختلافات شعله ور باشد، اهداف استعماری به سادگی بر آورده خواهد شد و هیچ ملتی به آزادی نخواهد رسید.

وزارت مستعمرات انگلیس به همفر تاکید می‌ورزد که: «وظیفه مهم تو در این سفر، شناسایی ابعاد این اختلافات میان مسلمین است. و باید راه‌ها و وسایل دامن زدن به آتش نفاق و اختلافات را تا سرحد انفجار بیاموزی، و مقامات لندن را در جریان اخبار و اطلاعاتی که در این زمینه‌ها بدست می‌آوری، قرار دهی. اگر بتوانی در قسمت‌های از ممالک اسلامی جنگ شیعه و سنی راه بیندازی، بزرگترین خدمت به بریتانیای کبیر کرده‌ای!

برای ما انگلیس‌ها زندگی مرفه و آسوده فراهم نخواهد بود، مگر «که در در مستعمرات خود بتوانیم آتش نفاق و شورش و اختلاف را شعله ور سازیم. ما فی‌الجملة امپراطوری عثمانی را در صورتی شکست خواهیم داد، که در شهرها و ممالک زیر سلطه او، فتنه و شورش بر پا کنیم. در غیر این صورت چگونه ممکن است ملت کوچکی چون انگلیسیان، بر چنان سر زمین پهناوری پیروز گردد.... هر گاه میان مردم یک منطقه، اختلاف کلمه و هرج و مرج بروز کند و از اتفاق دست بردارند، زمینه استعمار آن‌ها بسادگی فراهم گردیده است.» (همان اثر - صفحه 32)

امروز دقیقاً مشاهده می‌کنیم که این ترفندهای و بازی‌های شیطننت آمیز پشت پرده امپریالیست‌ها در کشورهای مانند افغانستان، عراق، لیبی، فلسطین، مصر، سوریه.... بخوبی به کرسی شانه می‌شود. با این عمل شیطننت آمیز هر روز جان صدها نفر گرفته می‌شود و هزاران خانه ویران و مردمش آواره می‌گردند.

افغانستان کشورiest که سالیان طولانی میدان رقابت و تاخت و تاز ابر قدرت‌ها قرار داشته و امروز با بازی های شیطننت آمیز و پشت پرده امپریالیزم امریکا، متحدینش و رقبای امپریالیستش زیر چکمه‌های خونین نیروهای ارتجاعی قرار گرفته است. امپریالیزم تا کنون از سیاست ارتجاعی " تفرقه انداز و حکومت کن " دست نکشیده و نخواهد کشید.

امپریالیزم تلاش می ورزد تا در افغانستان به اختلافات مذهبی میان شیعه و سنی دامن زده و حس بد گمانی را نسبت به یک دیگر شان تا سرحد این که یکی دیگری را کافر بخواند دامن زند. مردم ما بخوبی شاهد اند که امپریالیزم در ظرف بیست سال گذشته نه تنها تمام زیر بناهای اقتصادی را خراب نمود و مردم را در فقر و بیکاری غوطه ور ساخت، بل که مردم را در جهل و بی خبری فروبرد، و موجبات ناامنی را در کشور فراهم کرد. امپریالیست‌های اشغال‌گر تحت رهبری امپریالیزم اشغال‌گر امریکا با این کارها نیز بسنده نکرد و بیش از حد مقامات دولتی و حتی بساری از جوانان را به فساد گسترده ای مالی و اخلاقی کشاند.

این فساد آن قدر گسترده گردید که تمام دارای های عامه به شمول پول های باد آورده چپاول گردید و حتی پولی برای آبادانی و هزینه های نظامی نماند. اشغال‌گران امپریالیست تحت رهبری امپریالیزم اشغال‌گر امریکا، کشور را طوری باز سازی نمودند که باید مرتباً هزینه های نظامی و ملکی کشور توسط امپریالیست‌ها پرداخت گردد. و به همین ترتیب باید " کمک‌های بشر دوستانه " امپریالیست‌ها به افغانستان سرازیر گردد، در غیر آن نه نظامی سر پا خواهد بود و نه هم مردم لقمه نانی به خوردن خواهند داشت.

امپریالیزم همیشه تلاش ورزیده تا بعضی از جاسوسان خویش را که به دین اسلام دسترسی پیدا نموده بودند در سلک علمای دین در مراکز علمی و دینی استانبول، دانشگاه الازهر و هم چنین حوزه های علمیه نجف و کربلا و حتی بسیاری مساجد افغانستان وارد نماید، و از این طریق آتش نفاق و بدبینی را بین مذاهب و فرق گوناگون مذهبی شعله ور سازد و به همین ترتیب توسط این علمای دینی مدارس جدیدی ایجاد نموده تا کودکان را مطابق برنامه های استعماری خویش تربیه نماید. امروز این عمل‌کرد (ایجاد مدارس و تربیه کودکان) امپریالیزم را در کشورهای اسلامی بخوبی مشاهده کرده می‌توانیم. امروز تمامی اعمال ناشایست و ضد بشری از قبیل ترور، انتحار و انفجارات در این مدارس تدریس می‌شود و کودکان طبق این برنامه از کودکی شست و شوی مغزی می‌گردد، تا بدون چون و چرا دستورات را پیاده کنند.

در طول بیست سال حضور نظامی اشغال‌گران امپریالیست تحت رهبری امپریالیزم امریکا در افغانستان نه تنها مردم به امنیت نرسیدند، بلکه بیش‌تر از پیش ناامنی و هرج و مرج گسترش پیدا نمود. یکی دیگر از اعمال شیطننت آمیز امپریالیزم دامن زدن به هرج و مرج و ناامنی و حمایت از مردمان شریر و بدکاره است. به این گفته همفر توجه نمانید:

«6- فراهم ساختن موجبات ناامنی راه‌ها، فتنه و هرج و مرج در مراکز شهرها و روستاها، با حمایت از بداندیشان و ممانعت از مجازات بدکاران، فتنه انگیزان، راهزنان مسلح، و ترغیب و تشویق آنان به غارتگری و راهزنی، بوسیله اسلحه و پول در بین شان.» (خاطرات همفر جاسوس انگلیس در ممالک اسلامی - صفحه 77 و 78)

نیاز به تشریح ندارد که چرا این همه ناامنی در شهرها و روستاهای کشور وجود دارد و چرا بدکاران و حتی کسانی که به تجاوزات جنسی پرداخته و زنان را مثله نمودند و یا بقتل رساندند مجازات نشده اند.

اشغال‌گران امپریالیست در طول بیست سال گذشته تلاش ورزیدند تا بی بند وباری و لامذهبی را بین دختران و پسران جوان دامن زنند و حتی زمینه خوشگذرانی و عیش و نوش شان را با "دوستان بین المللی" شان آماده سازند.

امپریالیست‌های اشغال‌گر در مدت بیست سال خط و مشی مستعمراتی خود را بطور دقیق پیش برده و می برند و در آینده نیز پیش خواهد برد. امپریالیزم از چنین وظایف دهشتناکی ابایی نخواهند داشت. امروز بیش از بیست و دو فرقه تنظیم های بنیاد گرا در داخل افغانستان وجود دارد. امپریالیزم طبق برنامه‌ی استعماری شان آن‌ها را طوری تربیت نموده که هیچ یک دیگر را قبول ندارد و فقط خود را مسلمان واقعی میدانند و دیگران را مرتد می گوید. مثال برجسته آن‌را می‌توان در دوران جنگ های خاتمانسوز میان احزاب ارتجاعی جهادی دید. در آن زمان برهان الدین و گلبدین یک دیگر را تکفیر می‌نمودند و به همین ترتیب سیاف حزب وحدت و مزاری و مزاری سیاف و اتحاد اسلامی را تکفیر می‌کردند. در دوران بیست سال رژیم دست‌نشانده سیاف و شورای علما ساخته و پرداخته اشغال‌گران طالبان و طالبان احزاب جهادی را تکفیر نمودند، و هر طرف حکم کردند که کشته شدگان شان مرتد اند و نباید نماز جنازه بر کشته شدگان خواند. و امروز این موضوع به خوبی بین داعش و طالبان مشهود است. هر یک خود را مسلمان کامل می‌داند و دیگری را تکفیر می‌کند. حمله بر مساجد جامع قندوز و قندهار و بقیه معابد و هم چنین شفاخانه‌ها و بخصوص شفاخانه‌های محل شیعه نشین بر همین دلیل صورت گرفته است. این عمل‌کرد وحشیانه نمونه همین نفاق افکنی است که توسط علمای جاسوس انگلیس در ذهنیت کودکان مدارس دینی در داخل افغانستان و خارج افغانستان و حتی مردمان کشورهای اسلامی تزریق گردیده است. زیرا داعش شیعیان را کافر می‌داند و حمله بر جان و مال شان را جهاد می‌خواند. اصل هدف امپریالیزم از این جنایات نابخشودنی اینست تا شیعیان را وادار به عمل بالمثل نماید. در چنین حالتی خاطر امپریالیزم کاملاً راحت می‌گردد و به سهولت می‌تواند برنامه‌های شیطننت آمیز مستعمراتی خود را توسط اجبرانش پیاده کند.

امپریالیست‌ها از یک سو نفاق و تفرقه را بین مردم دامن می‌زنند و در مدارس دینی ساخته پرداخته خود کودکان را با این برنامه آموزش می‌دهند و توسط تربیه شدگان خود عبادت‌گاه را منفجر می‌کند و مردم را به خاک و خون می‌کشند و از سوی دیگر خودشان به قضاوت می‌نشینند و عمل انفجار و انتحار را عمل ضد بشری می‌خوانند!!!

امروز در افغانستان امپریالیست‌ها با در دست داشتن منابع قابل تزریق تفکرات فرقه گرایانه مذهبی بنیادگرایانه، آتش جنگ و برادر کشی را تا سرحد حمله به مساجد اهل تشیع و عبادت‌گاه‌ها سبک‌ها و هندوها را در بین ملت افغانستان دامن می‌زنند و خود از آب گل آلود این معرکه ماهی صید می‌کنند و امیدوار است تا اهل تشیع و سبک‌ها و هندوها عمل بالمثل انجام دهند!

روز جمعه تاریخ 16 میزان 1400 خورشیدی حمله مرگباری بر مسجد جامع سیدآباد منطقه خان‌آباد ولایت قندوز و روز

جمعه 23 میزان 1400 خورشیدی، حمله مرگباری بر مسجد "جامع فاطمیه" شیعیان در ناحیه اول شهر قندهار صورت گرفت که درین حملات مرگبار بالای هر دو مسجد، بیشتر از 150 تن کشته و حدود 500 تن از هموطنان ما زخمی شده‌اند.

از زمان فروپاشی رژیم پوشالی دست‌نشانده اشغالگران سفاک و خون‌آشام و روی کار آمدن امارت اسلامی افغانستان در حضور قوای اشغال‌گر ناتو در میدان هوایی کابل، این چندمین بار است که از اثر انفجارات و انتحاراتی که مسئولیت آن‌را شاخه خراسان "داعش" (دولت اسلامی عراق و شام) برعهده گرفته است، مردمان ستم‌دیده این دیار به خاک و خون کشیده می‌شوند. از انفجار داخل میدان هوایی کابل که به قتل و زخمی شدن بیش از 300 تن از هموطنان ما منجر شد تا حمله بر مسجد "جامع فاطمیه" شهر قندهار در تاریخ 23 میزان، شاهد چه فجایع مرگباری نبوده ایم.

حمله بر مساجد جامع قندوز و قندهار و بقیه معابد، شفاخانه‌ها و بخصوص شفاخانه‌های محلات شیعه نشین، همه و همه بیانگر این مدعاست که امپریالیست‌های اشغال‌گر و شیادان شریر بنیادگرایشان بر مبنای یک برنامه طویل مدت می‌خواهند عملکرد وحشیانه و نفاق افکنی را در داخل و خارج افغانستان پرورش دهند.

مردمان سلح‌شور این سر زمین حادثه عاشورای سال 1384 خورشیدی و برخورد مسلحانه گروه‌های عزادار و غیر عزادار در شهر هرات که نتیجه همین برنامه و سیاست استعماری اشغال‌گران امپریالیست بود هنوز از یاد نبرده‌اند. هیچ‌گاه عاملین این قضیه مانند دیگر قضایای ضد بشری مورد تعقیب علی و قضایی قرار نگرفت. زیرا امپریالیست‌ها به هیچ وجه نه تنها خواهان پی‌گرد چنین عملی نیستند، بلکه از پی‌گیری آن جلوگیری می‌نمایند.

حمله وحشتناک و دهشت افکنانه به مساجد جامع قندوز و قندهار نیز توسط عمال اجیر امپریالیست‌ها صورت گرفته و این عمل آخری نخواهد بود، بلکه این اعمال ناشایست ضد بشری بیش‌تر از پیش تکرار خواهد گردید. این اعمال ضدبشری امپریالیست‌های اشغال‌گر و حاملین اجیر شان باید با شدیدترین وجه محکوم گردیده و توده‌های ستمکش افغانستان این نکته را بخوبی درک نمایند که عامل اصلی چنین حملاتی امپریالیست‌ها بوده و می‌باشند.

مردم رنج کشیده و ستم‌دیده افغانستان!

امارت اسلامی طالبان و حامیان اشغال‌گر شان، نه می‌توانند و نه می‌خواهند که این نفاق و بدبینی بین فرقه‌گوناگون مذهبی از میان برود، آن‌ها بیش‌تر از پیش به فکر منافع غارت‌گرانه و چپاول افغانستان بوده و زمینه ساز نفاق ملیتی، جنسی، قومی و مذهبی‌اند.

حملات وحشیانه و ضد بشری بالای مساجد جامع قندوز و قندهار به شدیدترین وجه قابل تقبیح است و آن را به شدیدترین الفاظ تقبیح می‌کنیم، و از تمامی مردم ستم‌دیده کشور می‌خواهیم تا با بیداری و هوشیاری کامل بدان برخورد نمایند، در غیر آن شکار توطئه‌های مغرضانه و سودجویانه استعمارگران و استثمارگران بین‌المللی و مزدوران منطوقی و بومی شان خواهند شد.

توده‌های ستم‌دیده!

بباید با بیداری و هوشیاری لازم، شکار توطئه‌های مغرضانه و سودجویانه استعمارگران و استثمارگران بین‌المللی و مزدوران منطوقی و بومی شان نگردیم! و در این برهه حساس تاریخی دست به دست هم داده هم صدا علیه توطئه و دسیه‌های امپریالیست‌ها و عیادی مزدورش به مبارزه برخیزیم و یک صدا بانگ بر آوریم که تمام ملیت‌های که در افغانستان زندگی می‌کنند بر دیگری امتیازی نداشته و ندارند. فقط و فقط از این طریق است که می‌توانیم توطئه‌های دشمن را خنثی نموده و در راه برپایی و پیش‌برد جنگ مقاومت ملی و انقلابی به پیش حرکت نموده و انقلاب دموکراتیک نوین را در افغانستان به پیروزی رسانده و تا آنجا پیش رویم که دیگر نشانی از ستم و برتری میلیتی و جنسی باقی نماند.

مرگ بر اشغال‌گران مرتجع داعشی!

مرگ بر امارت اسلامی افغانستان و حامیان بین‌المللی شان!

به پیش در راه برپایی و پیش‌برد جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی!

15 عقرب 1400 خورشیدی